

ایران، زیر سایه خورشید

از آغاز جنگ تاکنون، حضور کاروان خادمان رضوی با پرچم متبرک حرم امام رضا^(ع) در مناطق جنگ زده ادامه دارد



تسکین دل داغدار خانواده شهدا

می‌کند: مردم بعد از توسل به امام رضا^(ع)، صحبت هایی می‌کردند و پایان انتظار و ظهور منجی عالم بشریت^(عج) را می‌خواستند. آن‌ها نجات مظلومان عالم و نابودی استکبار جهانی (آمریکا و رژیم صهیونیستی) را به واسطه امام هشتم^(ع) از خدا طلب می‌کردند. تشکری، تمام خاطرات این سفر را تأسف بار و البته از جنس مقاومت و ایستادگی می‌داند و ادامه می‌دهد: به تبریز که رسیدیم، متوجه شدیم در حمله هوایی و موشک باران، تمام اعضای یک خانواده به جز هملا، دختر سه ساله آن‌ها، به شهادت رسیده‌اند. هملا، پدر، مادر، برادر و خواهرش را از دست داده بود و البته زمانی که به محل عملیات رسیدیم، خودش هم زیر آوار بود که به طرز معجزه آسایی نجات پیدا کرد. همان جا گفتیم که هملا دختر ایران شد؛ او نشان مقاومت ایران است. خادم حرم امام هشتم^(ع) با بیان اینکه در این جنگ، خیلی از افراد در خط مقدم و خیلی هادر پشت صحنه مشغول خدمت رسانی هستند، بیان می‌کند: به همین دلیل در جمع آن‌هایی که در پشت جبهه در حال کمک رسانی بودند یا امدادگرای که به کار امداد و نجات مشغول بودند، نیز حضور پیدا کردیم. متأسفانه در این شهرها، شاهد اتفاقات دردناکی بودیم؛ به طور نمونه امدادگر هلال احمری که مشغول انجام عملیات و همسرش در حال زایمان در بیمارستان بود، متأسفانه در حمله بعدی، به شهادت رسید.

بعد از جنگ، زمانی که قرار شد پرچم متبرک حرم امام رضا^(ع) مرهم دل های زخمی در شهرهای جنگ زده باشد، قرعه به نام او نیز افتاد که در این سفر معنوی همراه تیم «زیر سایه خورشید» باشد. برنامه این بود که پرچم حرم امام هشتم^(ع) به صورت پرنرنگ تر میهمان خانواده معزز شهدای جنگ رمضان شود. سید محمد تشکری خودش می‌گوید: درواقع با این کار می‌خواستیم دل داغدار این خانواده‌ها را تسکین بدهیم. «استان تهران و شهرستان های اطراف آن و همچنین مناطق مختلفی همچون البرز، آذربایجان شرقی و غربی، اصفهان، خوزستان، تبریز، ارومیه، میناب، اردبیل، زنجان، میانداوب و بیشتر شهرهای جنگ زده، مقصد کاروان های زیر سایه خورشید بوده‌اند.» تشکری درباره واکنش مردم هنگام دیدن پرچم حرم امام رضا^(ع)، اظهار می‌کند: می‌توان گفت که زیارت این پرچم برای هم وطنانمان به خصوص خانواده شهدا به معنای واقعی کلمه، مرهم بود. عموم مردم با دیدن پرچم، این تعبیر را می‌گفتند که «ما خودمان را زائر آقا احساس کردیم. انگار که در حال زیارت در حرم ایشان هستیم. احساس می‌کنیم در پناه امام هشتم^(ع) قرار داریم.»

او به عنوان خادم حرم و پرچم، در این سفر حضور پیدا کرده و قطره قطره اشک مردم را از سر مضطر شدن از این جنگ، به هنگام زیارت پرچم حرم به چشم دیده است. تعریف

جنگ تحمیلی آمریکایی صهیونی بر ملت ایران که شروع شد، هر فردی به دنبال راه چاره‌ای بود که بتواند کمی از ترس و رنج هم وطنانمان یاداغ خانواده شهدای این جنگ تحمیلی بکاهد، اما واقعیت این بود که آتش دل هم وطنانمان با زهم خاموش نمی‌شد. حق هم داشتند؛ عزیز از بینشان رفت، در عرض چشم به هم زدنی خانه و کاشانه خود را از دست دادند، مجروح شدند یا هر بار با صدای بمب و موشک، چهارستون بدنشان لرزید و این تاریکی فقط با نور حضور پرچم گنبد امام هشتم^(ع) برای مردم جنگ زده محو شد؛ مانند همان مادر مینایی که از شدت سوگ، نای حرف زدن نداشت، اما بعد از زیارت پرچم حرم امام رضا^(ع)، نه تنها زبان به سخن گشود که حالش هم زمین تا آسمان فرق کرد یا پیکر دانش آموز شهیدی که از زیر آوار پیدانی شد و مادر بی تاب بود و به عنایت امام رضا^(ع) پیکر این شهید مظلوم نیز پیدا شد. کاروان «زیر سایه خورشید» از سال ۱۳۸۶ کار خود را شروع کرده است و به روایت آمار، هر سال به بیش از ۴۰۰ شهر و شهرستان در سراسر کشور اعزام می‌شود، اما امسال تجربه آن‌ها از این حضور در شهرهای مختلف کشورمان، متفاوت بود. این گروه‌ها از روزهای نخستین جنگ تحمیلی، به همراه پرچم گنبد حرم مطهر رضوی در شهرهای جنگ زده‌ای چون تهران، میناب و بندرعباس و... حاضر شدند و البته این اقدام هنوز ادامه دارد.



عنایت امام رضا^(ع) به خانواده شهدای میناب

رضا زحمتکش، نیز جزو اعضای گروهی بود که مسئولیت بردن پرچم بر عهده نزد خانواده شهدای میناب، بازماندگان و... را داشتند. به زعم او، شهدای شهرستان میناب، متفاوت ترین شهدای جنگ تحمیلی رمضان هستند که مقاومت و بربرباری را می‌توان درمیان آن‌ها دید. او بیان می‌کند: مهم ترین نکته‌ای که در دیدار با خانواده شهدای دانش آموز میناب نظرم را جلب کرد، روحیه مقاومت عجیب این پدر و مادران بود که با وجود اینکه جوان بودند و بعضی از آن‌ها، تنها فرزندشان را از دست داده بودند، روحیه‌های قوی داشتند. زحمتکش به خاطر دارد که نزد خانواده شهیدی می‌روند که مادر خانواده از شدت این داغ حتی توان صحبت کردن نداشته است، اما بعد از اینکه پرچم امام رضا^(ع) را زیارت می‌کند، حالش خیلی بهتر می‌شود. او و دیگر خادمان کاروان «زیر سایه خورشید»، پنجشنبه همین هفته دوباره عازم شهرستان میناب هستند تا به مناسبت چهلم شهدا دوباره در کنار مادران و پدران داغ دیده باشند. زحمتکش ادامه می‌دهد: زمانی که در میناب حضور داشتیم، پیکر یکی از شهدای دانش آموز هنوز پیدا نشده بود، اما با عنایت امام رضا^(ع) بعد از برگشتن، مادر شهید تماس گرفت و گفت پیکر فرزندش پیدا شده است. حالا قرار است دوباره به میناب سفر کنیم تا به دیدار این خانواده شهید و شهدایی که در نوبت قبل نتوانستیم خدمت آن‌ها برسیم، برویم. زحمتکش درباره فضای معنوی که با حضور پرچم امام رضا^(ع) در شهرهای مختلف - به خصوص آن‌هایی که از مشهد دور هستند - ایجاد می‌شود، می‌گوید: حس مردم طوری است که انگار روبه روی ضریح ایستاده‌اند؛ در دیدار با مردم میناب، هم متوجه شدیم که بعضی خانواده‌ها بیش از ۱۰ سال و برخی در تمام سال‌های گذشته از عمرشان به مشهد نیامده بودند و زمانی که پرچم حرم مطهر رضوی را دیدند، برایشان خیلی ویژه بود.

اما این بار خادمان «زیر سایه خورشید» علاوه بر اینکه پرچم را به نزد خانواده شهدای می‌برند، حامل خبرهای خوبی نیز هستند؛ زیرا استان قدس رضوی بنا دارد تمام خانواده شهدای میناب را برای تشریف به مشهد دعوت کند، ضمن اینکه تقبیل کرده است گلزار شهدای دانش آموز میناب را بسازد. در آخر نیز قرار است هشت مدرسه به نیت امام هشتم^(ع) و با عنوان «شجره طیبه» در مناطق محروم بسازد.



غمگین‌ترین نوروز

«۵۲ سال از خدا عمر گرفته‌ام و تا به حال لحظه سال تحویلی دل خون تر و غمگین تر از این ندیده بودم.» این تعبیر محمد گلابگیر، خادم حرم مطهر رضوی است و در توضیح آن می‌گوید: دیده بودم که خیلی‌ها لحظه سال تحویل را کنار مزار پدر و مادر خود می‌گذرانند. اما امسال پدر و مادرهای جوانی را در مزار شهدای میناب دیدم که کنار مزار دختر و پسر بچه‌های خود نشسته بودند و فضا به شدت حزن‌الود بود. به گفته گلابگیر، تنها چیزی که در آن لحظات غم‌انگیزی می‌توانست مردم را آرام کند، این بود که همه دل‌باخته حضرت رضا^(ع) بودند و چشمشان به پرچم که می‌افتاد، انگار نسیمی از سوی امام هشتم^(ع) در فضای گلستان شهدا می‌وزید. او ادامه می‌دهد: در سفری که رفتیم، به خانه حدود ۲۰ تا ۷۰ شهید میناب سر زدیم و در این دیدارها، خانواده‌های بیان می‌کردند که یا چند ماه قبل به مشهد آمده و حرم را زیارت کرده‌اند یا قرار بود عید نوروز به همراه بچه‌هایشان به مشهد بیایند. یکی از پدرها می‌گفت: بچه‌ام منتظر بود عید شود و به سفر برویم و دائمی می‌گفت «نه شمال، نه دریا، فقط بریم حرم امام رضا^(ع)». اما حتی عید امسال را ندید! خاطره تلخی که او از میناب در ذهن دارد، دلخراش است؛ به طوری که نمی‌توان آن را با جزئیات بیان کرد. اما کلیت ماجرا این است که در این سفر، به خانه پدر و مادری می‌روند که پیکر فرزندشان هنوز شناسایی نشده بوده و مادر بی‌تابی می‌کرده است، بعد از چند روز که پدر در سردخانه‌ها به دنبال پیکر می‌گشته و دست خالی برمی‌گشته است، در نهایت روز سوم، مادر فرزندش را پیدا می‌کند. اما نه تمام پیکرش را بلکه فقط دست کوچکش را! کاروان «زیر سایه خورشید» علاوه بر میناب، به خاطر شهدای مظلوم ناو «دنا»، به بندرعباس هم رفته است. گلابگیر اظهار می‌کند: آنجا نیز زمانی که پرچم را روی پیکرهای مطهر شهدا گذاشتیم، آرامش عجیبی پدیدار شد و انگار همه به وضوح عنایت امام هشتم^(ع) را لمس کردند.

